

# بخش دوم

## جذب پول و تجلی ثروت و فراوانی

### ۴۹. جذب پول و تجلی ثروت و فراوانی

با این‌که ممکن است پول در زندگی تو جزء ضروریات نباشد، اما برای اکثر مردم پول به معنی آزادی است. از آنجا که آگاهی از حق آزادی، مسئله بسیار مهمی است، در نتیجه رابطه تو با پول یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی‌ات محسوب می‌شود. پس جای تعجب نیست که چنان احساسات شدیدی نسبت به پول داشته باشی. از آنجا که برخی از مردم آزادی را در به دست آوردن پول هنگامفتی در زندگی‌شان می‌بینند، اما بیشتر اوقات پول بسیار کمتری از آنچه نیاز دارند یا دلشان می‌خواهد داشته باشند، به دست می‌آورند و بیشترشان احساس آزادی نمی‌کنند.

هدف ما در اینجا این است که علت این نابرابری مالی را به طور واضح توضیح دهیم، تا تو بتوانی ثروت و فراوانی که می‌خواهی و لایق آن هستی را در زندگی‌ات تجربه کنی. وقتی این کلمات را می‌خوانی و شروع به هم‌نویسی با این حقایق قانون‌محور می‌کنی، خواسته و آرزوی خود را با ثروت و وفور دنیای خود هم‌تراز خواهی کرد و خیلی زود نشانه‌هایی از این هماهنگی جدید برای خودت و کسانی که شاهد آن هستند، آشکار می‌شود. چه جزء آن دسته از افرادی باشی که سال‌هاست در تلاش برای دستیابی به ثروت هستند، چه جوانی باشی که

تازه قدم در این مسیر گذاشته، مقصد سفر به سوی ثروت و رفاه چندان از تو دور نیست. لازم هم نیست وقت و زحمت زیادی برایش صرف کنی چون ما قصد داریم با اصطلاحاتی ساده و آسان چگونگی استفاده از قدرت انرژی که در اختیارات است را یادت بدهیم. ما می‌خواهیم ارتباط کامل بین اندیشیدن به پول، احساس ناشی از فکر کردن به آن و پول‌هایی که در زندگی نصیب می‌شود را نشانت بدهیم. زمانی که بتوانی آگاهانه این رابطه را ایجاد کنی و تصمیم‌گیری هوشیارانه افکار خود را هدایت نمایی، به قدرتی کیهانی دست خواهی یافت و آنگاه خواهی دید که چرا وقت گذاشتن و زحمت کشیدن، هیچ ربطی به موفقیت مالی‌ات ندارند.

بنابراین، کارمان را با فرضیه ساده کائنات و دنیای تو آغاز می‌کنیم یعنی تو همان چیزی را به دست می‌آوری که به آن می‌اندیشی. مردم معمولاً به ما می‌گویند: «این حقیقت ندارد چون از وقتی به خاطر دارم پول می‌خواستم و به آن فکر می‌کردم، اما همچنان تقلا می‌کنم و پول کافی هم ندارم.» و پاسخ ما به آنها مهم‌ترین چیزی است که اگر قصد داری وضعیت مالی خود را بهبود ببخشی باید بدانی - موضوع پول در واقع دو جنبه دارد: اول پول، پول هنگفت، احساس آزادی که پول فراوان به دنبال دارد و دوم فقدان پول، نداشتن پول کافی و ترس و ناامیدی ناشی از پول نداشتن. مردم اغلب تصور می‌کنند وقتی جمله «من پول بیشتری می‌خواهم» را به زبان می‌آورند، دارند در مورد پول مثبت حرف می‌زنند، اما وقتی از پول یا هر چیز دیگری صحبت می‌کنی و هنگام صحبت کردن احساس ترس یا ناراحتی به تو دست می‌دهد، در اصل مورد موضوع پول صحبت نمی‌کنی، بلکه در عوض در مورد نداشتن پول کافی سخن می‌گویی. تفاوت بین این دو بسیار مهم است، زیرا جمله اول پول را به سوی سرازیر می‌کند و دومی آن را از تو دور نگه می‌دارد.

آگاهی از نحوه فکر کردن به پول و از آن مهم‌تر احساس تو نسبت به پول، برایت بسیار ارزشمند است. اگر افکار یا جملاتی از این قبیل را به کار می‌بری: «وای خیلی خوشگله، اما از پس خریدش برنمیام»، در جایگاه ارتعاشی که اجازه

می‌دهد پول خواسته‌ی مورد نظرت به سویت جذب شود، قرار نداری. احساس ناامیدی ناشی از اذعان به عدم استطاعت مالی خرید آن چیز نشانگر این است که ترازوی افکارت در سمت عدم دستیابی به خواسته‌ات، سنگین‌تر از رسیدن به خواسته‌ات است. احساس منفی که از اعتراف به ناتوانی در خرید آنچه می‌خواهی به تو دست می‌دهد، یکی از راه‌های درک تعادل افکارت است و میزان مال و ثروتی که در زندگی به دست می‌آوری نیز راه دیگری برای درک این موضوع است. دلیل این که بسیاری از مردم، مدام پول کافی نداشتن را در زندگی‌شان تجربه می‌کنند این است که آنها فراتر از واقعیت چیزی که در واقع تجربه می‌کنند فکر نمی‌کنند. به عبارت دیگر، اگر آنها کمبود پول را تجربه می‌کنند و از آن آگاه هستند و درباره‌اش حرف می‌زنند، خودشان دارند این وضعیت مزمن را برای خود حفظ می‌کنند. بنابراین، وقتی ما به مردم توضیح می‌دهیم که تعریف کردن داستان وضعیت مالی‌شان چگونه که دلشان می‌خواهد باشد، نه آنطور که هست چه قدرتی دارد، شروع می‌کنند به گله و شکایت، زیرا آنها بر این باورند که باید درباره آنچه اتفاق می‌افتد صادق باشند. اما ما می‌خواهیم به تو بفهمانیم که اگر همچنان به شرایط فعلی نگاه کنی و از شرایط فعلی سخن بگویی، به پیشرفت مطلوبیت دست نخواهی یافت؛ شاید شاهد تغییراتی در آدم‌ها و مکان‌ها باشی، اما اساساً هیچ پیشرفتی در زندگی‌ات حاصل نمی‌کنی. اگر خواهان ایجاد تغییر و تحولی اساسی در زندگی خود هستی باید ارتعاشات متفاوتی ارائه دهی، یعنی که باید به چیزهایی بیندیشی که با فکرشان احساس متفاوتی به تو دست می‌دهد.

### ۵۰. با دست روی دست گذاشتن، موفقیتی حاصل نمی‌شود

جری: آبراهام! سال‌ها پیش من در نزدیکی ال پاسو در ایالت تگزاس، مالک مسافرخانه‌ای بودم و یکی از ثروتمندترین مردان امریکا (جزء میلیاردرها بود) به من زنگ زد. او تفرجگاه کوچکی در کنار رودخانه ریوگرانده خرید بود که اکنون در آستانه ورشکستگی بود. و شنیده بود که ممکن است من بتوانم اطلاعات مفیدی را برای کمک به او در اختیارش بگذارم. وقتی در قهوه‌خانه کوچکم

با او ملاقات کردم به سختی می‌توانستم روی مکالمه‌ام با او تمرکز کنم چون درک نمی‌کردم که چرا یک مرد به این ثروتمندی هنوز هم از زندگی‌اش رضایت ندارد و به دنبال راهی برای کسب پول بیشتر است. نمی‌فهمیدم چرا او حاضر نمی‌شد آنجا را با هر قیمتی بفروشد و با پولی که قبلاً کسب کرده بود از زندگی خود لذت ببرد. دوست دیگری هم داشتم که جزء طبقه مولتی میلیاردرها بود. چند سال پیش در ریودوژانیرو برزیل بودیم و داشتم با هم در ساحل قدم می‌زدیم و درباره مشکلات تجاری‌اش صحبت می‌کردیم. من واقعاً متحیر بودم که چرا مردی با آن همه و ثروت، با این قبیل مشکلات دست و پنجه نرم می‌کرد. اما آبراهام! آنچه از تو آموختم که بسیار هم برایم ارزشمند است، این است که موفقیت واقعی ما در زندگی به این معنا نیست که چقدر پول داریم یا در کل چه چیزی داریم، درست است؟

### ۵۱. ابتدا تعادل ارتعاشی‌ام را می‌جویم

چیزهایی که داری و کارهایی که انجام می‌دهی همگی در راستای تعالی وجودت است. به عبارت دیگر، همه چیز مربوط به احساسی است که داری و این‌که چه احساسی داری همسوبا کسی است که واقعاً هستی. هنگامی که از ابتدا خودت را هماهنگ کنی، سپس چیزهایی که به سوی خود می‌خوانی و کارهایی که انجام می‌دهی، حس خوب وجودت را تقویت می‌کنند. اما اگر از همان ابتدا تعادل ارتعاشی خود را پیدا نکنی و سعی کنی با تجربه چیزهای بیشتر در زندگی‌ات یا شرکت در فعالیت‌های بیشتر احساس بهتری داشته باشی، فقط از حالت تعادل خارج می‌شوی.

ما قصد نداریم تو را از به دست آوردن چیزی یا انجام کاری محروم کنیم، زیرا همه اینها بخش اساسی زندگی مادی‌ات محسوب می‌شوند. به بیانی دیگر، تو قصد داشتی از تجربه شگفت‌انگیز کاوش در مورد جزئیات دنیای مادی خود استفاده کنی تا رشد پیشرفت و خوشبختی خود را رقم بزنی، اما هنگامی که سعی می‌کنی از نقطه‌ای نامتعادل اقدام کنی، همواره دچار ناهماهنگی و ناراحتی می‌شوی.

اگر از همان ابتدا نوع احساس یا وضعیتی که می‌خواهی داشته باشی را مشخص کنی و سپس اجازه دهی خواسته‌ها و آرزوهایت گرد هم آیند و متمرکز شوند، نه تنها تعادل خود را حفظ خواهی کرد، بلکه از هم اکنون از چیزهایی که جمع می‌کنی و کارهایی که انجام می‌دهی لذت خواهی برد.

بیشتر افراد، خواسته‌های خود را به خاطر کمبودهایشان می‌خواهند. بسیاری از موارد آنها فقط به دلیل نداشتن خواسته‌هایشان، آن‌ها را می‌خواهند. بنابراین به دست آوردن آنها، آنان را از ته دل راضی نمی‌کند، زیرا همیشه یک چیزی هست که ندارند. بنابراین همیشه درگیر تلاشی بی‌پایان برای دستیابی یک چیز دیگر هستند، چیز دیگری که همچنان برایشان رضایت بخش نخواهد بود. «این را می‌خواهم چون ندارمش» و فکر می‌کنند به دست آوردن آن خلاءشان را پرمی‌کند، اما این خلاف قانون جذب است.

هر اقدامی که از محل کمبود صورت گرفته باشد، همیشه نتیجه معکوس دارد و همیشه منجر به احساس کمبود می‌شود.

خلأیی که این افراد احساس می‌کنند را نه می‌توان با چیزی پر کرد و نه با عملی راضی کرد، زیرا این احساس خلأ مربوط به اختلاف ارتعاش بین خواسته‌ها و افکار روزمره آنهاست. با اندیشیدن به افکاری دارای احساس بهتر، تعریف یک داستان متفاوت، جستجوی جنبه‌های مثبت، تشخیص آنچه واقعاً می‌خواهی و یافتن چیزهای مثبت است که می‌توانی آن خلاء را پر کنی. وقتی این کار را بکنی، بهترین اتفاق برایت رقم می‌خورد - خواسته‌ها و آرزوهایت شروع به برآورده شدن خواهند کرد. اما این چیزها برای پر کردن احساس خلاء و پوچی‌ات به سویت نمی‌آیند، چون دیگر خلأیی وجود ندارد، در واقع علت جریان یافتن آنها به سمت تو همین امر است که دیگر خلأیی وجود ندارد. بدون شک تو چیزهای باشکوه بسیاری را در زندگی‌ات تجربه خواهی کرد. پیام ما به تو این است که از خواستن، انجام دادن یا داشتن دست‌نکش، ولی این کار را با حال خوب انجام بده، نه به خاطر کمبودهایت.



خرید این اثر از سایت  
**YUSHITA.COM**

یوشیتا

✉ INFO@YUSHITA.COM ☎ ۰۲۵-۳۲۶۱۷۲۳۷ 📱 @YUSHITAPUB